

بازتعریف مأموریت پژوهش کشاورزی

تلاش دولت محترم برای بازنگری ساختار سازمان «تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی» موسوم به «تات» در شورای عالی اداری را می‌توان فراتر از اصلاح یک سازمان دولتی تلقی کرد؛ چراکه موضوع اصلی، تغییر در معماری حکمرانی پژوهش کشاورزی است که شوربختانه بین ظرفیت علمی موجود و نیازهای انباشته بخش تولید، با مسئله انتقال و کاربست دانش مواجه است. این در حالی است که «تات» به‌عنوان متولی اصلی تحقیقات و ترویج کشاورزی، بخش مهمی از زیرساخت علمی این حوزه را در اختیار دارد؛ چراکه شبکه گسترده مراکز تحقیقاتی، ایستگاه‌های پژوهشی و نیروی انسانی متخصص، سرمایه‌ای مهم برای توسعه کشاورزی محسوب می‌شود. با این حال، مسئله اساسی در چنین ساختارهایی، صرفاً میزان تولید دانش نیست؛ بلکه میزان اثر گذاری دانش تولیدشده در فرایند تصمیم‌گیری، تولید و بهره‌وری اقتصادی اهمیت دارد.

می‌دانیم که نظام‌های پژوهشی موفق، مرز مشخصی میان «تولید علم» و «حل مسئله» قائل نیستند و طبعاً پژوهش وقتی در نظام حکمرانی کشاورزی جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند که بتواند به تصمیم‌گیری بهتر، فناوری قابل استفاده و تغییر در الگوی تولید منجر شود. لکن یکی از نقدهای وارد بر ساختارهای سنتنی پژوهش، غلبه نگاه عرضه‌محور بوده است؛ یعنی پژوهش ابتدا در نهاد علمی تعریف می‌شود و سپس برای یافتن کاربرد آن در بخش تولید تلاش می‌شود. در مقابل، رویکرد تقاضامحور، مسئله را نقطه آغاز فعالیت علمی قرار می‌دهد.



پس این تغییر نگاه برای کشاورزی با اهمیت مضاعف دارد؛ چراکه بخش کشاورزی با مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری مانند مشکل منابع آب، کاهش بهره‌وری عوامل تولید، تغییرات اقلیمی و ضرورت اصلاح الگوی مصرف مواجه است و علاج این مسائل نیازمند پژوهش‌هایی است که از ابتدا با واقعیت‌های اقتصادی و فنی تولید ارتباط داشته باشند. اما فاصله میان آزمایشگاه و مزرعه، یکی از چالش‌هایی است که بسیاری از نظام‌های پژوهشی در جهان برای کاهش آن از سوی مدل‌های مشارکتی و شبکه‌ای حرکت کرده‌اند.

ضمناً باید دقت کنیم، ورود بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان در این چارچوب، به معنای واگذاری مأموریت‌های حاکمیتی پژوهش نیست؛ بلکه به معنای تکمیل زنجیره نساوری است و دولت همچنان باید تعیین‌کننده اولویت‌های راهبردی، تضمین‌کننده منافع عمومی و تنظیم‌کننده روابط میان بازیگران باشد؛ چراکه در حوزه‌ای مانند کشاورزی که با امنیت غذایی و منابع طبیعی پیوند مستقیم دارد، حذف نقش سیاستگذار عمومی می‌تواند به غلبه منطق کوتاه‌مدت اقتصادی بر ضرورت‌های ملی منجر شود.

یکی از الزامات این تحول، تغییر معیارهای ارزیابی عملکرد پژوهش است و تا زمانی که موفقیت مراکز تحقیقاتی عمدتاً با تعداد طرح‌ها، مقالات یا گزارش‌های علمی سنجیده شود، انگیزه کافی برای حرکت از سوی پژوهش‌های اثرگذار ایجاد نخواهد شد و طبیعتاً نظام ارزیابی باید بتواند میزان حل مسئله، انتقال فناوری و تأثیر اقتصادی تحقیقات را در اندیز آنگیزد.

همچنین جایگاه کشاورزان در این الگو باید از سطح دریافت‌کننده فناوری فراتر رود؛ چراکه تجربه تولیدکنندگان، داده‌های میدانی و شناخت آنها از محدودیت‌های واقعی، بخشی از نظام دانش کشاورزی است که بدون آن، بسیاری از راهکارهای علمی در مرحله اجرا با شکست مواجه می‌شوند. بنابراین پیوند میان دانش رسمی و دانش تجربی، یکی از پایه‌های نظام نوآوری کارآمد است. با این توضیحات، باطراحی ساختار سازمان تات وقتی به نتیجه خواهد رسید که تغییر در نمودار سازمانی، به تغییر در منطق عملکردی منجر شود و بدین‌هم که پژوهش کشاورزی نیازمند عبور از رویکرد اداری و حرکت از سوی حکمرانی شبکه‌ای است که در آن دانشگاه، دولت، بخش خصوصی و تولیدکننده در یک فرایند مشترک برای افزایش بهره‌وری و تاب‌آوری کشاورزی نقش ایفا کنند.

گزارش یک زینب‌زین

وابستگی پنگاه‌ها به منابع بانکی برای تأمین سرمایه مورد نیاز، یکی از معضلات اصلی ساختار مالی کشورمان به شمار می‌رود. اما رشد ابزارهای بدهی در بازار سرمایه، مسیر دیگری را پیش روی شرکت‌ها قرار داده است؛ به‌طوری‌که افزایش سه‌برابری حجم انتشار اوراق در چهار سال اخیر نسبت به کل دوره ۱۲ساله پیش از آن، همراه با توسعه نهادهای واسط و اصلاح فرایندهای انتشار صکوک، بازار بدهی را به یکی از مسیرهای مهم تأمین مالی پنگاه‌ها نزدیک کرده است و همین فرایند بندانحصار و کارشکنی شبکه بانکی را از پای تولید می‌گشاید.

■ ■ ■

تأمین مالی یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش‌روی پنگاه‌های اقتصادی است که میزان دسترسی شرکت‌ها به منابع، سرعت اجرای طرح‌های توسعه‌ای و حتی توان رقابت آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و شوربختانه در ساختار سنتی اقتصاد، بانک‌ها مهم‌ترین مسیر تأمین نقدینگی برای فعالان اقتصادی بوده‌اند، اما افزایش نیاز پنگاه‌ها به منابع بزرگ‌تر و متنوع‌تر، ضرورت استفاده از ابزارهای جدید مالی را پررنگ کرده است. بازار بدهی یکی از بخش‌های است که در سال‌های اخیر تلاش کرده است بخشی از این نیاز را پاسخ دهد و انتشار اوراق بدهی و ابزارهایی مانند صکوک، امکان جذب منابع سرمایه‌گذاران را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند و به آنها اجازه می‌دهد بخشی از برنامه‌های مالی خود را خارج از چارچوب تسهیلات بانکی دنبال کنند.

براساس آمارهای منتشرشده، حجم انتشار اوراق در چهار سال گذشته نسبت به مجموع ۱۲سال پیش از آن سه برابر شده و تعداد انتشار اوراق نیز در مقایسه با دوره مشابه، رشد سه‌برابری داشته و نشان‌دهنده افزایش استفاده از این ابزار در فرایند تأمین مالی شرکت‌هاست.

البته رشد بازار بدهی را نمی‌توان فقط با افزایش تعداد یا حجم اوراق ارزیابی کرد؛ چراکه کیفیت انتشار، توان بازپرداخت ناشران، محل مصرف منابع جذب‌شده و میزان اثر گذاری این منابع بر فعالیت‌های اقتصادی، معیارهای مهمی برای سنجش عملکرد این بازار هستند. با این حال، افزایش ظرفیت انتشار اوراق، بیانگر شکل‌گیری یک مسیر مکمل در کنار نظام بانکی برای تأمین منابع مورد نیاز پنگاه‌هاست.

■ **گسترش بازار بدهی از مسیر رفع موانع ساختاری**
رشد بازار بدهی فقط به افزایش تقاضا برای انتشار اوراق

گزارش ۲ حسام‌کمالی

طبق بخش‌نامه گمرک، وارد کنندگان مجاز ند کالاهایی را که تا پایان شهریور وارد گمرک شده یا وارد خواهند شد با ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر و مهلت ۹۰روزه برای پرداخت مالیات و عوارض ارزش افزوده ترخیص کنند و نحوه و مهلت در یافت تضامین برای حقوق ورودی مطابق دستور العمل شماره ۸۱۲۵ و اصلاحیه‌های آن اعمال می‌شود و نهادهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی نیز با شرایط مشخص می‌توانند از این تسهیلات بهره‌مند شوند. ■ ■ ■

گمرک در بخش‌نامه جدید، تأکید کرده است همه کالاهایی که تا پایان شهریور ماه وارد مرزها شده‌اند یا در مسیر ورود قرار دارند، مشمول این رویه خواهند بود و وارد کنندگان می‌توانند به جای پرداخت فوری حقوق ورودی و عوارض، ضمانتنامه بانکی معتبر ارائه دهند و بر اساس راجع به دستورالعمل شماره ۸۱۲۵ مورخ ۸فروردین، نحوه و مهلت در یافت تضامین برای حقوق ورودی مطابق بندهای همان دستورالعمل اجرا می‌شود. همچنین درباره مالیات باز ارزش افزوده و سایر عوارض، گمرک مهلت ۹۰روزه را تعیین کرده است؛ به این معنا که ضمانت بانکی به مدت ۹۰روز برای ترخیص کفایت می‌کند و پس از آن فرایند واقعی وصول یا تسویه حسب مقررات مربوط انجام خواهد شد.

■ **بستر سازی برای روان سازی تولید**

این تصمیم در واکنش به فشارهای نقدینگی روی زنجیره تأمین عنوان شده است؛ چراکه پرداخت همزمان مالیات و مالیات برای بسیاری از وارد کنندگان بار قابل سنجینی ایجاد و مانع از ترخیص به‌موقع می‌شود. بنابراین

نگنه

اعلام قیمت‌های پایه جدید محصولات سایپا را نمی‌توان یک تعدیل معمول در برابر رشد هزینه‌های تولید تلقی کرد؛ چراکه این تصمیم امتداد همان الگویی است که طی سال‌های گذشته، صنعت خودرو را از مسیر رقابت، بهره‌وری و پاسخ‌گویی دور نگه داشته است و بنگاهی که در فضای کمرقابت فعالیت می‌کند، به‌جای اصلاح درونی، افزایش قیمت را به‌ابزار اصلی جبران ناترازی‌ها تبدیل می‌کند و در نتیجه، هزینه ناکارآمدی مستقیماً به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. لذا مسئله اصلی غیبت یک برنامه جدی برای اصلاح ساختار تولید و مدیریت است.

نخستین محورانتقاد، شکاف پایدار میان قیمت و ارزش است؛ چه آنکه در یک صنعت رقابتی، افزایش قیمت زمانی قابل دفاع است که با بهبود قابل اندازه‌گیری در کیفیت، ایمنی، دوام، خدمات پس از فروش و نظم در تحویل همراه باشد. اما در اینجا چنین نسبتی مشاهده نمی‌شود و مصرف‌کننده با محصولی مواجه است که کیفیت آن متناسب با سطح قیمت رشد نکرده و همچنان با مسائل تکرار شونده در عملکرد و خدمات روبه‌روست و طبعاً وقتی نگاه بدون ارائه

اقتصاد

سرویس اقتصادی۶۰۰۸۵۲۳۰

بازار بدهی با توسعه ابزارهای مالی، ظرفیت جدیدی برای تولید ایجاد کرده است

بازار سرمایه بندوابستگی تولید به بانک‌ها را باز می‌کند

افزایش سه‌برابری انتشار اوراق در چهار سال اخیر، توسعه نهادهای واسط و اصلاح فرایندهای صکوک، ظرفیت بازار سرمایه برای تأمین مالی پنگاه‌ها را افزایش داده است

د

افزایش سه‌برابری حجم انتشار اوراق در چهار سال اخیر، سهم بازار سرمایه در تأمین مالی پنگاه‌ها را افزایش داده و مسیر تازه‌ای برای دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی ایجاد کرده است و توسعه نهادهای واسط و اصلاح فرایندهای انتشار صکوک نیز ظرفیت استفاده از ابزارهای مالی را برای شرکت‌ها گسترش داده و امکان تنوع بخشی به روش‌های تأمین سرمایه را فراهم کرده است

در این دوره اصلاحاتی در ساختار کارمزدهای نهادهای واسط انجام شده و شرکت‌های ذی‌ربط به صورت سالانه تحت حسابرسی حسابرس مستقل سازمان بورس قرار داده شده‌اند. همچنین انتشار گزارش‌های مالی تلفیقی در دوره زمانی مشخص، بخشی از الزامات حاکمیت شرکتی و شفافیت در نهادهای مالی محسوب می‌شود و این اقدامات اگرچه وظیفه‌ای قانونی برای بسیاری از نهادهای فعال در بازار سرمایه است، اما استمرار آنها برای حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران و کارآمدی بازار بدهی اهمیت دارد.

بازار بدهی همچنان فاصله زیادی با بازارهای توسعه‌یافته دارد و سهم آن از کل تأمین مالی اقتصاد قابل مقایسه با نظام بانکی نیست. با این حال، رشد انتشار اوراق در سال‌های اخیر و توسعه زیرساخت‌های مرتبط با آن، مسیر جدیدی را در اختیار پنگاه‌ها قرار داده است و آینده این بازار به عواملی مانند ثبات اقتصادی، نرخ‌های تأمین مالی، استقبال سرمایه‌گذاران، توان بازپرداخت شرکت‌ها و کیفیت سیاستگذاری مالی وابسته است و اگر این عوامل در کنار یکدیگر تقویت شوند، بازار بدهی می‌تواند نقش مکمل خود را در تأمین منابع تولید ایفا کند و بخشی از فشار موجود بر شبکه بانکی را کاهش دهد. از طرفی تحول در تأمین مالی به معنای حذف بانک‌ها از این فرایند نیست؛ بلکه حرکت به سمت ساختاری است که در آن پنگاه‌ها برای تأمین منابع خود، گزینهای بیشتری در اختیار داشته باشند. لکن افزایش تنوع ابزارهای مالی، در نهایت قدرت انتخاب بیشتری برای اقتصاد ایجاد می‌کند و زمینه تصمیم‌گیری دقیق‌تر برای صاحبان کسب‌وکار و سرمایه‌گذاران را فراهم کند.



■ **تأمین مالی متنوع همراه با ضرورت نظارت**
تغییر مسیر تأمین مالی از مدل کاملاً بانک‌محور به سمت استفاده بیشتر از ابزارهای بازار سرمایه، نیازمند توجه همزمان به فرصت‌ها و الزامات آن است و انتشار اوراق می‌تواند دسترسی شرکت‌ها به منابع را افزایش دهد، اما این منابع در نهایت تعهداتی برای ناشر ایجاد می‌کنند که باید در موعدمقرر انجام شود. بنابراین بازار بدهی وقتی می‌تواند نقش مؤثری در اقتصاد داشته باشد که منابع جذب‌شده به فعالیت‌های مولد اختصاص پیدا کند و بازپرداخت تعهدات مالی با توان واقعی پنگاه‌ها هماهنگ باشد و افزایش حجم اوراق بدون توجه به کیفیت اعتبار ناشران یا نحوه مصرف منابع، نمی‌تواند به توسعه پایدار تأمین مالی منجر شود. از همین منظر، شفافیت اطلاعاتی و نظارت بر عملکرد ناشران، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و بر اساس اطلاعات اعلام‌شده، تغییر مسیر تأمین مالی از مدل کاملاً بانک‌محور به سمت استفاده بیشتر از ابزارهای بازار سرمایه، نیازمند توجه فعالان بازار سرمایه محسوب می‌شود، اما اثر آن برای اقتصاد واقعی قابل توجه است و قاعده‌نا هر اندازه، فرایندهای حقوقی و اجرایی انتشار اوراق روان‌تر باشد، شرکت‌ها با موانع کمتری برای استفاده از ابزارهای تأمین مالی بازار سرمایه مواجه خواهند شد.

در کنار افزایش تعداد نهادهای واسط، اصلاح دستورالعمل‌های مربوط به فعالیت این نهادهای نیز بخش دیگری از تغییرات ساختاری بازار بدهی بوده است و اختصاص نهاد واسط مشخص برای هر اوراق مبتنی بر عقد مرایحه، یکی از اصلاحاتی عنوان شده که با هدف کاهش پیچیدگی‌های عملیاتی و سادس‌اندھی فرایند انتشار صکوک انجام شده است.

به‌منظور روان سازی فرایند واردات

ترخیص کالا با مهلت ۹۰روزه پرداخت مجاز شد



با مهلت ۹۰روزه و پذیرش تضامین بانکی، واردکننده می‌تواند کالا را زودتر تحویل بازار دهد و با فروش یا تأمین مالی داخلی، مبلغ نهایی را در بازه زمانی تعیین‌شده پرداخت کند. از سوی دیگر، گمرک با درخواست ضمانتنامه تلاش کرده است غددغه وصول درآمدهای دولت را نیز مدیریت کند تا تعادل بین حمایت از جریان تجارت و حفاظت از دارایی‌های عمومی حفظ شود. ■ **اختلاف رویه برای بخش دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی**
برای نهادهای دولتی، فرایند دریافت تعهد متفاوت است؛ چراکه گمرک اعلام کرده است اخذ تعهد ذی‌حسابی نسبت به حقوق ورودی و مالیات و عوارض ارزش افزوده فقط از طریق ذی‌حسابی و اداره کل امور مالی در ستاد مرکزی و پس از تأیید گمرکات اجرایی مربوطه انجام می‌پذیرد. لذا این روش، کانال‌های شفاف‌تری برای پیگیری پرداخت‌ها فراهم می‌آورد و مسئولیت مالی را در چارچوب ساختارهای بودجه‌ای نهاد دولتی مشخص می‌سازد. نهادهای عمومی غیردولتی نیز می‌توانند با مهلت ۹۰روزه بهره ببرند، اما شرط اخذ تعهد کتبی از بالاترین مقام مسئول آن نهاد برای حقوق ورودی و مالیات و عوارض ارزش افزوده در نظر گرفته شده است و این الزام احتمالاً به منظور افزایش مسئولیت‌پذیری در پرداخت‌ها و کاهش ریسک عدم وصول وضع شده است و در عمل، سازوکارهای اجرایی و زمان‌بندی تأیید تعهدها میان گمرک و نهادهای مزبور تعیین‌کننده خواهند بود تا از

ایجاد صف‌های طولانی با تردید در ترخیص جلوگیری شود.

■ **حمایت عملی برای واردکنندگان و بازار**

به باور فعالان اقتصادی اجرای این بخشنامه می‌تواند چند اثر فوری و میان‌مدت داشته باشد. در کوتاه‌مدت، گمرک شاهد کاهش انباشت کالا در انبارهای گمرک می‌شابد و حرکت ترکت کالا به بازار خواهد بود و فعالان تجاری که با کمبود نقدینگی مواجه‌اند از طریق سپردن تضامین بانکی و تعهدات کتبی قادر به ادامه فعالیت خواهند شد و این موضوع احتمالاً فشار بر قیمت‌های داخلی کالاها و وارداتی را کاهش می‌دهد؛ چراکه عرضه سریع‌تر می‌شود و هزینه نگهداری و ریسک تأمین کاهش می‌یابد. در میان‌مدت، بانک‌ها به عنوان ضامن مالی نقش برجسته‌تری ایفا خواهند کرد و تقاضا برای صدور ضمانتنامه بانکی خواهد یافت و مؤسسات مالی باید ظرفیت ارزیابی ریسک و انتشار تضامین را افزایش دهند و طبعاً این امر ممکن است منجر به رقابت میان بانک‌ها بر سر نرخ و شرایط صدور ضمانتنامه شود و در نهایت هزینه‌های تأمین ضمانت برای واردکنندگان را تعیین کند؛ از منظر سیاستگذار، نظارت دقیق‌تر بر کیفیت ضمانت‌ها و مکانیزم بازگشت آنها به دولت پس از پرداخت لازم‌التاریسک عدم وصول کاهش یابد. ■ **ضرورت دقت در اجرا و رصد فرایندها**
کارشناسان البته تأکید دارند، برای جلوگیری از سوءاستفاده یا تعویق‌های طولانی‌مدت، گمرک باید سامانه‌ای برای ردیابی تضامین و تبدیل آنها به درآمد، محدودش به کل اقتصاد ارسال کند مبنی بر اینکه سودآوری بیش از آنکه به کارایی و نوآوری وابسته باشد، به دسترسی به بازارهای حفاظت‌شده مرتبط است و این وضعیت جهت تخصیص منابع را تغییر و انگیزه سرمایه‌گذاری در فعالیت‌ها رقابتی را تضعیف می‌کند و در بلندمدت، این روند می‌تواند به کاهش بهره‌وری کل اقتصاد و عمیق‌تاکارآمدی‌های ساختاری منجر شود.

یورتمه سایپا در سنگلاخ گرانی

ناشی می‌شود و این وضعیت انگیزه بهبود کیفیت و کاهش هزینه را تضعیف کرده و افزایش قیمت را به گزینهای کم‌هزینه برای پنگاه تبدیل کرده است. در نتیجه، سودآوری کوتاه‌مدت جایگزین بهره‌وری بلندمدت می‌شود و به‌جای اصلاح زنجیره تأمین، کاهش هزینه‌های زائد و ارتقای فناوری تولید، افزایش قیمت به‌عنوان راه‌حل انتخاب می‌شود و این مسیر، اگرچه در صورت‌های مالی به رشد درآمد منجر می‌شود، اما نشانه‌ای از بهبود عملکرد نیست و افزایش درآمدی که بدون ارزش آفرینی حاصل شود، صرفاً انتقال بار هزینه در سطح اقتصاد است و به تقویت بنیان‌های تولیدی کمک نمی‌کند. نتیجه قهری این رویکرد به بازار خودرو محدود نمی‌ماند و چنین الگویی سیگنالی مخدوش به کل اقتصاد ارسال می‌کند مبنی بر اینکه سودآوری بیش از آنکه به کارایی و نوآوری وابسته باشد، به دسترسی به بازارهای حفاظت‌شده مرتبط است و این وضعیت جهت تخصیص منابع را تغییر و انگیزه سرمایه‌گذاری در فعالیت‌ها رقابتی را تضعیف می‌کند و در بلندمدت، این روند می‌تواند به کاهش بهره‌وری کل اقتصاد و عمیق‌تاکارآمدی‌های ساختاری منجر شود.